

تحلیل اثرات مشارکت در فعالیتهای اقتصادی بر نشاط زنان روستایی (مطالعه موردی: بخش خاوومیرآباد شهرستان مریوان)

سعدی محمدی* - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
سوران منوچهری - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
عبدالرحمن احمدی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تأیید نهایی: ۱۳۹۷/۰۷/۰۸

پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۵/۱۵

چکیده

مشارکت رسمی زنان در فعالیتهای اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز دستیابی به نشاط در میان زنان روستایی باشد و محیطی بانشاط در روستاها شکل دهد. در راستای بررسی این امر، پژوهش حاضر در بخش روستایی خاوومیرآباد شهرستان مریوان، که در چند ساله اخیر زنان در فعالیتهای اقتصادی روستایی آن نقش پررنگی داشته‌اند، انجام گرفت. پژوهش، از لحاظ هدف، کاربردی است و گردآوری اطلاعات در بخش نظری با استفاده از منابع اسنادی و در بخش میدانی از طریق توزیع پرسش‌نامه در میان زنان فعال در اقتصاد روستایی بخش خاوومیرآباد بوده است. نخست، به روش هدفمند، تعداد کل جامعه (۵۶۳ زن فعال در عرصه اقتصاد روستایی) و روستاهای نمونه (۱۸ روستا) شناسایی و سپس با بهره‌گیری از فرمول کوکران ۲۰۰ پرسش‌نامه در میان زنان روستایی به روش قرعه‌کشی و در روستاهای نمونه به روش طبقه‌بندی توزیع شد. تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده با استفاده از آزمون‌های ویلکاکسون، T دونمونه‌ای، T مستقل، و رگرسیون نشان داد تفاوت معنی‌داری میان میزان نشاط زنان روستایی در دوره بعد از مشارکت در فعالیتهای رسمی اقتصادی با میانگین ۳/۵۵ نسبت به دوره قبل از آن با میانگین ۲/۸۹ و بین سطح نشاط زنان روستایی دارای فعالیت اقتصادی با میانگین ۳/۵۵ با زنان روستایی فاقد آن با میانگین ۲/۹۶ وجود دارد. همچنین، متغیرهای میزان درآمد حاصله با مقدار بتای ۰/۴۱۴، مدت زمان اشتغال در فعالیت اقتصادی با مقدار بتای ۰/۲۷۲، و تعداد زنان مشغول به فعالیت اقتصادی در روستاها با بتای ۰/۳۲۷ مهم‌ترین متغیرهایی بودند که، در ارتباطی مستقیم و معنی‌دار، توانایی تبیین میزان نشاط زنان روستایی به‌واسطه حضور در فعالیتهای اقتصادی را داشتند.

واژگان کلیدی: بخش خاوومیرآباد، بهزیستی ذهنی، زنان روستایی، نشاط.

مقدمه

در چند دهه گذشته کیفیت زندگی به عنوان هدف اصلی توسعه جامعه بر سیاست‌گذاری بسیاری از کشورها، جوامع و ملت‌ها تأثیرگذار بوده است (ماجدی و لهاسایی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۰؛ کوفمن، ۲۰۱۲: ۱؛ گندس، ۲۰۱۴: ۸۸۰). در کنار تعریف‌های عینی کیفیت زندگی، که با معیارهای کمی اندازه‌گیری‌شدنی است (وابسته‌بودن به مقدار درآمد، دارایی، میزان مصرف، و ...)، در رویکردهای جدید، کیفیت زندگی به احساس شادی یا ناخشنودی، رضایت یا نارضایتی فرد از زندگی وابسته است (کامپ، ۲۰۰۳: ۱۸؛ سونجا، ۲۰۰۳: ۶) که از آن با نام بهزیستی یا رفاه ذهنی یاد می‌کنند (دینر و سوه، ۱۹۹۷: ۱۹۹؛ بنکه، ۲۰۰۷). سابقه توجه به جنبه‌های عینی کیفیت زندگی به چندین دهه بازمی‌گردد؛ این در حالی است که توجه به جنبه‌های ذهنی، محصول تغییر ادبیات توسعه در چند دهه اخیر است و بیشتر توسط روان‌شناسان مثبت‌گرا مطرح شد که هدف آن‌ها افزایش عملکردهای انسانی با استفاده و تأکید بر ویژگی‌ها و احساسات مثبت ذهنی است (کشاورز و کریمی، ۲۰۱۲: ۶۳). یکی از مؤلفه‌های مهم بهزیستی ذهنی، که در چند ساله اخیر مورد توجه بسیار جامعه‌شناسان و روان‌شناسان مثبت‌گرا قرار گرفته، مفهوم شادکامی و نشاط است. نشاط را می‌توان احساسی خاص در نظر گرفت که فرد هنگام رسیدن به خواسته‌ها و اهداف خود بدان دست می‌یابد. در واقع، نشاط مترادف با بهزیستی ذهنی ناشی از رضایت از زندگی و موفقیت فردی و گروهی و رسیدن به آرزوهاست (غفاری و شیرعلی، ۱۳۹۴: ۳۶؛ دیندارلک و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۱۶؛ دوروملاری و کاورمی، ۲۰۱۶: ۱۰۱). امروزه، نشاط جامعه‌مبنایی برای سنجش وضعیت در جهت پیشرفت اقتصادی و سطح توسعه ملل در نظر گرفته می‌شود (آلتینر، ۲۰۱۵: ۶). به جرئت می‌توان ادعا کرد که همه کوشش انسان‌ها در زندگی برای دستیابی به نشاط و شادکامی در آینده است؛ بدین معنا نشاط و شادکامی متغیر مهمی در توسعه محسوب می‌شود (عنبری و حقی، ۱۳۹۲: ۱۳۵)، زیرا انسان بانشاط انسانی کارآ، مولد، مبتکر، و سازنده است و همین اعمال مثبت به سلامت فیزیکی و روانی او نیز کمک شایانی خواهد کرد. نشاط از جمله متغیرهای مهمی است که می‌تواند موجب افزایش انسجام اجتماعی و احساس تعلق افراد به یکدیگر و به اجتماع کلان شود و در نهایت به احساس امنیت و مشارکت‌پذیری منجر شود (هزارجریبی و مرادی، ۱۳۹۳: ۸). نشاط، به‌عنوان موتور محرکه توسعه، موجب تحرک فیزیکی و شکوفایی ظرفیت‌های جدید در جامعه می‌شود (خورشیدی، ۱۳۹۳: ۵). در این میان، باتوجه به ارتباط فقر و محرومیت با کاهش سطح نشاط فردی و اجتماعی و اینکه نمود این فقر و محرومیت در نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه و با حاکمیت تبعیض جنسیتی در میان زنان روستایی به‌وضوح مشاهده می‌شود، بسیاری از تلاش دولت‌ها به دنبال تغییر رویکردهای توسعه از دهه ۱۹۸۰ به سمت ایجاد محیط زیست‌پذیر در روستاها بوده که پایه اصلی آن تقویت و گسترش نشاط با رفع فقر و محرومیت در میان روستاییان به‌ویژه زنان روستایی به‌عنوان نیمی از جامعه روستایی و فعالان پنهان اقتصاد روستایی است (روشن‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۲؛ هال و هلیول، ۲۰۱۳: ۳؛ ون‌زر، ۲۰۱۱: ۱-۲). برای تحقق این امر نیز باتوجه به ضعف عمده اقتصاد روستایی و در نتیجه نقش تعیین‌کننده آن در ماندگاری روستاییان (هوشنگی، ۱۳۹۶: ۲) و ایجاد محیطی بانشاط، تأکید اصلی بر ایجاد فعالیت‌های اقتصادی و مشارکت اقتصادی زنان روستایی به‌صورت رسمی به‌عنوان یکی از استراتژی‌های معیشتی روستاییان است. مشارکت اقتصادی زنان جهت توانمندسازی آن‌ها برای تقویت حقوق و امکان داشتن زنان به‌منظور کنترل زندگی‌شان و تأثیرگذاری در جامعه اساسی است (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، ۲۰۱۱: ۶). داشتن شغل به‌طور مطلق و درآمد به‌صورت نسبی ارتباط مستقیمی با افزایش نشاط زنان دارد. زنان بانشاط بهره‌وری بیشتری دارند، آزادانه تصمیم می‌گیرند، اعتماد به نفس، تعهد کاری، و در نهایت رضایتمندی بیشتری از زندگی دارند (ستریمیکینی، ۲۰۰۹: ۱۱؛ کاون، ۲۰۰۵: ۱۶۳؛ ون‌هون، ۱۹۸۹: ۲۳۸). شرکت در فعالیت‌های اقتصادی توسط زنان و کار مفید یکی از مهم‌ترین عواملی است که بهزیستی ذهنی (نشاط) آن‌ها را بالا می‌برد و در یک ارتباط متقابل بهزیستی ذهنی نیز کارایی و بهره‌وری زنان را افزایش می‌دهد (سنگوپتا، ۲۰۱۲: ۲۰۱۲).

۲۲). کیفیت ذهنی و نشاط زندگی زنان وابستگی بسیاری به موقعیت اقتصادی و اجتماعی آنها دارد (ادریسی و حاتموند، ۱۳۹۱) و این شرکت در فعالیتهای اقتصادی است که با ایجاد درآمد و شغل و آثار اجتماعی وابسته به آن زمینه‌ساز ارتقای پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنها می‌شود که قدر مسلم بازتاب این امر نیز ارتقای سطح نشاط ذهنی زنان روستایی خواهد بود. بنابراین، باید در نواحی و در میان اقشاری که به دلیل ضعف ساختارهای اقتصادی، دارای بیکاری و سطح درآمد اندک‌اند تحول اقتصادی ایجاد کرد. در این راستا، در چند ساله اخیر در برنامه‌های توسعه روستایی ایجاد زمینه‌های فعالیت اقتصادی در روستاها با تأکید بر حضور و مشارکت زنان روستایی به‌عنوان نیمی از منابع انسانی روستاها به‌عنوان یکی از اهداف اصلی توسعه روستایی کشور مطرح شده و فعالیتهای آموزشی و ترویجی و حمایت‌های قانونی لازم نیز از سوی نهادهای متولی به اجرا گذاشته شده است. یکی از مناطق سطح کشور که زنان روستایی هم‌اکنون به‌عنوان نیروی کار رسمی و قابل‌اتکا در خانواده و اقتصاد روستا مطرح شده‌اند منطقه مرزی خاوومیرآباد شهرستان مریوان است. در این منطقه، باتوجه‌به دورافتاده‌بودن و ضعف ساختارهای اقتصادی، سطح شاخص‌های کیفیت زندگی در سطح نازلی قرار داشت که نتیجه آن مهاجرت‌های گسترده روستاییان به شهر مریوان بود؛ اما در چند ساله اخیر اجرای برنامه‌های متنوع‌سازی اقتصادی همانند تأسیس بازارچه‌های مرزی، جمع‌آوری شیر از سطح روستاها، و به دنبال آن رونق دوباره دام‌پروری، یک‌پارچه‌کردن زمین‌های کشاورزی و کشت محصولات کارگربر، برگزاری کلاس‌های آموزشی و ترویجی کشاورزی و صنایع دستی اقداماتی بوده‌اند که مستقیم و غیرمستقیم زنان روستایی این بخش را در فعالیتهای اقتصادی درگیر کرده و توانسته است آنها را از نیروی کار نامرئی یا مصرف‌کننده‌بودن به حالتی فعال و دارای اشتغال و درآمد بدل کند؛ حال بررسی و تحلیل اثرهای مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی بر سطح نشاط آنها به‌عنوان متغیری که نقش مهمی در رضایت از زندگی و ماندگاری‌شان در محیط‌های روستایی دارد هدف اصلی پژوهش حاضر است تا بدین‌وسیله شناخت جامعی از وضع موجود بهزیستی ذهنی و نشاط زنان روستایی بخش حاصل آید و به دنبال آن نیز راهکارهای کاربردی در راستای ارتقای نشاط زنان روستایی بخش با اثرپذیری از مشارکت در فعالیتهای اقتصادی روستایی به‌منظور تبدیل روستاها به محیطی قابل‌زیست و بانشاط برای زنان روستایی ارائه شود. در این ارتباط نیز، پرسش‌هایی به شرح زیر مطرح‌اند:

- مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی چه تأثیراتی در وضعیت نشاط آنها نسبت به دوره قبل از آن داشته است؟

- چه تفاوتی بین وضعیت نشاط زنان روستایی فعال در اقتصاد روستا با زنان غیرفعال وجود دارد؟

- متغیرهایی همچون تعداد زنان مشارکت‌کننده در فعالیتهای اقتصادی در روستا، میزان درآمد حاصل از مشارکت در فعالیتهای اقتصادی، تأهل، سن، مدت حضور در فعالیت اقتصادی، به چه میزان، قدرت تبیین میزان نشاط زنان روستایی مشغول به فعالیت اقتصادی را دارا هستند؟

مبانی نظری

مفهوم نشاط دارای تعاریف مختلفی است که عمده دلیل آن را می‌توان اول در ذهنی و انتزاعی‌بودن و سپس در جنبه فردی و قضوتی‌بودن آن باتوجه‌به شرایط اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی متفاوت دانست (لو، ۲۰۰۱: ۷). نشاط در فارسی با معادل‌هایی همچون هیجان مثبت، شادی، شادکامی به‌کار می‌رود (عنبری و حقی، ۱۳۹۳: ۶). باتوجه‌به بین‌رشته‌ای‌بودن سازه نشاط، علوم مرتبط دیدگاه‌های مختلفی در ارتباط با تعریف و اندازه‌گیری آن دارند؛ به‌گونه‌ای که در علم روان‌شناسی، نشاط به رضایت فرد از کل زندگی، لذت از زندگی، رضایت از مقایسه با دیگران، معناداری زندگی، داشتن احساسات خوشایند، فقدان احساسات منفی، و مفاهیمی این‌چنینی اطلاق می‌شود (دینر و سوه، ۱۹۹۷: ۲۰۰؛ ون‌هون، ۱۹۹۸: ۲۳۵؛

برولد، ۲۰۰۴: ۵؛ آموریم^۱، ۲۰۱۷: ۱؛ سلیگمن^۲، ۲۰۰۵: ۸۷۷). درحالی‌که در علوم اجتماعی، بیشتر با تأکید بر جنبه اجتماعی بودن و فراتر بودن از حالت ذهنی و انتزاعی نشاط پدیده و وضعیتی است که باید آن را در وضعیت مطلوب مناسبات و پیوندهای اجتماعی و در تقابل و مقایسه با نظام ارزشی، فرهنگی، و اجتماعی جست‌وجو کرد. از دیدگاه اقتصادی نیز نشاط در سطح فردی با داشتن درآمد مطلوب مرتبط است و در سطح اجتماعی نیز با میزان تولید ناخالص ملی و سطح رشد اقتصادی و توسعه جامعه سنجیده می‌شود. تئوری معروف این دیدگاه هرچه بیشتر (مادیات) بهتر (نشاط) است (غفاری و شیرعلی، ۱۳۹۴: ۴۴؛ ستریمیکنی، ۲۰۰۹: ۱۱؛ کریستوفر، ۲۰۱۰). پرداختن به مفهوم شادی و تأکید بر آن با ایجاد و گسترش مکتب روان‌شناسی مثبت‌گرا آغاز شد (کشاورز و کریمی، ۲۰۱۲: ۶۳). هسته اصلی این رویکرد این مطلب است که احساسات و تجربه‌های مثبت افراد ارزش تقویت و پرورش دادن را دارند و باید بر آن‌ها متمرکز شد تا درمان و تحقیق بر روی بیماری‌های روانی و تجربه‌های ناخوشایند (آموریم، ۲۰۱۷: ۱). در این مکتب، تأکید اصلی بر مفاهیمی چون ارزشمند شدن زندگی و کیفیت مطلوب زندگی و در واقع شرایطی است که موجب بهزیستی ذهنی و از مهم‌ترین معیارهای آن شادی و نشاط افراد می‌شود (لینلی، ۲۰۰۶: ۵). سلیگمن (۲۰۰۲)، یکی از روان‌شناسان برجسته مکتب روان‌شناسی مثبت‌گرا، شادی را در زندگی در گرو معناداری زندگی، تعامل در زندگی، و زندگی دل‌پذیر (با لذت) می‌داند (سلیگمن، ۲۰۰۵: ۸۷۷). هانتز^۳ (۲۰۱۴) بر آن است که احساس نشاط زمانی حاصل می‌شود که فرد لذت‌ها و تجربه‌های مثبتی همچون افتخار، لذت، و رضایت از زندگی بالایی داشته باشد و با درجه و میزان کمی از احساسات ناخوشایند روبه‌رو شود (آموریم، ۲۰۱۷: ۱). نشاط یا شادمانی واژه‌ای است که معانی مختلفی چون لذت آنی، لذت طولانی‌مدت، و لذت از کل زندگی را شامل می‌شود. نشاط سه جزء اساسی دارد که عبارت‌اند از: هیجان‌ات مثبت، رضایت از زندگی، و فقدان عواطف منفی (افشانی، ۱۳۹۲: ۲). بسیاری از روان‌شناسان بر این عقیده‌اند که نشاط هیجانی مثبت است که حاوی سه عنصر لذت، خرسندی، و رضایت از زندگی است (فرهادی، ۱۳۸۴: ۴). وضعیت احساسات خوشایند و ناخوشایند، که در مجموع رضایت از زندگی افراد را دربر می‌گیرد، نشان‌دهنده سطح نشاط افراد است (دینر و سوه، ۱۹۹۷: ۲۰۰). در تعریف دیگری، نشاط را احساس مثبت راحتی، آرامش، برطرف شدن لذت‌ها، و شادی دانسته‌اند (لو، ۲۰۰۱: ۸) و در یک جمع‌بندی، بیشتر متخصصان تعاریف مفهوم نشاط را در سه دیدگاه عاطفی، شناختی، و ترکیبی تقسیم کرده‌اند. در دیدگاه عاطفی، در دیدگاه عاطفی، در تعریف به‌دست‌داده‌شده از نشاط، بر احساس کردن و تجربه کردن لذت بیشتر از درد و رنج‌ها تأکید می‌شود. نشاط دربرگیرنده احساس‌های مثبت است که لذت را برای فرد می‌آفریند. در این دیدگاه، از نشاط به‌منزله عامل سرزندگی روح، احساس داشتن انرژی، داشتن روحیه خوش‌بینی، یا دل‌خوش بودن به چشم‌انداز آینده زندگی یاد می‌شود و نشان‌دهنده وضعیت ارزیابی خود فرد از فعالیت‌هایی است که انجام می‌دهد. این تعریف درحقیقت شادی مستقیم و بی‌واسطه را شامل می‌شود که شامل احساسات و عواطف مثبت، شبیه لذت و خوشی در یک لحظه خاص است. بنابراین، از منظر عاطفی، شادی یعنی احساس لذت، خوشی، و خشنودی که احساسی است درونی و زاینده ذهن، فکر، خیال، و روح یک فرد، نه قضاوت‌های تحمیلی از بیرون (برولد، ۲۰۰۴: ۷؛ کوازادا، ۲۰۱۶: ۹؛ ربانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۵). در دیدگاه شناختی، نشاط داشتن نگرشی مثبت و احساس رضایت از زندگی به‌صورت کلی است. در این دیدگاه، فرد به قضاوت زندگی خود با استانداردهایی که در ذهن دارد می‌پردازد و درنهایت به‌صورت کلی نتیجه می‌گیرد که زندگی‌اش به‌خوبی می‌گذرد یا خیر که بیشتر در بازه زمانی بلندمدت‌تری نسبت به رویکرد عاطفی حاصل می‌آید. در این دیدگاه، نشاط حاصل قضاوتی است تقریباً متعادل و مبنی بر استانداردها و انتظارات زندگی و نتیجه آن، تصدیق

اوضاع و شرایط زندگی براساس قیاس با وضعیت گذشته، وضعیت ایده‌آل، و قیاس با وضعیت دیگران (برولد، ۲۰۰۴: ۵؛ ون هون، ۲۰۰۶: ۶؛ ربانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۶). در دیدگاه‌های ترکیبی نیز فردی دارای بهزیستی ذهنی و نشاط است که از زندگی خود راضی بوده (شناختی) و دارای احساسات خوب و خوشایندی است (عاطفی)؛ درواقع، تجربه کردن مکرر احساسات خوشایند و تجربه اندک احساسات ناخوشایند. یعنی فرد از یک سو ارزیابی مثبتی با شناخت از جنبه‌های متفاوت زندگی خود در قیاس با استانداردها، ایده‌آل‌ها، و دیگران دارد و از سوی دیگر احساس عاطفی خوب و خوشایندی از زندگی در خود ایجاد می‌کند و دارای نگرشی مثبت نسبت به زندگی خود است. در این دیدگاه، شادی یک وضعیت پیچیده روانی است که هم دارای بخش عاطفی است هم بخش شناختی (برولد، ۲۰۰۴: ۵؛ ربانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۷). بهزیستی ذهنی و عنصر مهم آن، یعنی نشاط، در محیط‌های زندگی به دو عامل اصلی بستگی دارد: اول اینکه شرایط برای برطرف کردن نیازها مهیا باشد و دیگر اینکه فرصت‌ها و ظرفیت‌ها برای رشد و تعالی انسان‌ها کافی باشد. درواقع، نشاط افراد بازتابی از شرایط کیفیت زندگی آنهاست (ون هون، ۲۰۰۶: ۱۷). در عرصه‌های روستایی، کیفیت زندگی تابعی از دو مفهوم قابلیت زندگی (دسترسی به خدمات، کیفیت محیط زیست، و شبکه‌های اجتماعی) و معیشت مردم (چگونگی کسب درآمد و حضور در فعالیتهای اقتصادی) است (فلیپا، ۲۰۱۰: ۱۵-۱۶). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بُعد اقتصادی و مشارکت در فعالیتهای اقتصادی درآمدزا بر کیفیت زندگی در نواحی روستایی، که بازتاب آن را می‌توان در نشاط روستاییان دید، تأثیر انکارناپذیری دارد؛ این تأثیر و اهمیت در نواحی روستایی مرزی چندبرابر می‌شود، زیرا حوزه‌های روستایی مناطق دورافتاده و مرزی در شرایطی کاملاً نابرابر از جهت دسترسی به فرصت‌ها و منافع حاصل از رشد و توسعه قرار گرفته‌اند (منوچهری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۲)؛ به‌گونه‌ای که مسئله اصلی در برخی از این مناطق تلاش برای بقاست (افراخته، ۱۳۹۱: ۵۸). در چنین شرایطی تحقق محیطی بانشاط به‌ویژه برای زنان روستایی، که همواره تبعیض‌های جنسیتی علیه آن‌ها در محیط مردسالانه وجود دارد، ناممکن خواهد بود. در راستای حل این معضل و حرکت به سمت ایجاد نشاط در میان زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت روستایی و باتوجه به اهمیت وضعیت اقتصادی، مشارکت زنان در فعالیتهای درآمدزای اقتصادی و ایفای نقش رسمی و مستقیم می‌تواند زمینه‌ساز پویایی محیط روستایی و ایجاد نشاط در میان زنان شود. ایجاد نشاط در میان زنان روستایی سبب می‌شود که روستا از محیطی منزوی برای آن‌ها به محیطی دل‌پذیر بدل شود و آن‌ها بتوانند به افزایش فعالیت و قابلیت‌هایشان اقدام کنند (ون هون، ۲۰۰۶: ۱۷؛ هانداراگما، ۲۰۱۳: ۲). همچنین، زنان پُرنشاط در محیط روستا موجب تربیت فرزندان خودباور، خوش‌بین، و فعال خواهند شد و این امر زمینه‌ساز استحکام خانواده و درنهایت جامعه روستایی می‌شود (عنبری و حقی، ۱۳۹۲: ۲). بررسی تأثیرات افزایش درآمد در افزایش نشاط، مطابق با دیدگاه‌های اقتصادی، نشان می‌دهد که افزایش درآمد به‌ویژه در میان اقشار منزوی و فقیر یکی از عوامل اصلی افزایش بهزیستی ذهنی و نشاط آنهاست (ستریمیکینی، ۲۰۰۹: ۱۱؛ کریستوفر، ۲۰۱۰). روان‌شناسان مثبت‌گرا بر آن‌اند که کار مفید نیز یکی از مهم‌ترین عوامل است که نشاط افراد را بالا می‌برد و در یک ارتباط متقابل نشاط نیز کارایی و بهره‌وری افراد را افزایش می‌دهد. بنابراین، زنان روستایی شاغل بانشاط‌تر و در نتیجه کارآترند (ستریمیکینی، ۲۰۰۹: ۱۱؛ اید و رندی، ۲۰۰۸). افزایش نشاط اصل مهمی در مدیریت منابع انسانی در راستای توسعه و پیشرفت است و باتوجه به اینکه در چند ساله اخیر توانمندی‌ها و ظرفیتهای فراوانی از زنان روستایی دیده شده و آن‌ها نشان داده‌اند که می‌توانند همانند مردان گردانندگان چرخ اقتصاد روستاها باشند، بی‌توجهی به مسئله افزایش نشاط و حمایت‌های لازم در این راستا به معنی نادیده گرفتن زنان روستایی و هدر دادن منابع انسانی کشور است (یعقوبی فرانی و جلیلیان، ۱۳۹۴: ۹؛ هزارجریبی و مرادی، ۱۳۹۳: ۵).

در این میان، مطالعاتی که دقیقاً بر روی نشاط زنان تکیه داشته‌اند، چه در عرصه داخلی چه در عرصه بین‌المللی، اندک بوده و این ضعف تئوریک در حوزه روستایی نیز به حداکثر می‌رسد. اما از میان مطالعات مشابه در عرصه داخلی می‌توان به

پژوهش ساربان و یاری حصار (۱۳۹۶) با عنوان «عوامل مؤثر در بهبود نشاط اجتماعی از دیدگاه روستاییان شهرستان اردبیل» اشاره کرد که با استفاده از روش تحلیل عاملی عامل مطلوبیت و مقبولیت اجتماعی و سپس عوامل نشاط اقتصادی و حاکمیت فضای امیدواری، بهداشت روانی و ارتقای میزان برخورداری، بهزیستی اجتماعی، و تعلقات مذهبی دارای بیشترین تأثیر بر وضعیت نشاط روستاییان مورد مطالعه بوده‌اند. یعقوبی فرانی و جلیلیان (۱۳۹۴) در مقاله‌ای دیگر، با عنوان «اثرات اقتصادی و اجتماعی مشاغل خانگی زنان روستایی در شهرستان اسلام‌آباد غرب»، به این نتیجه رسیدند که اشتغال زنان روستایی مورد مطالعه به مشاغل خانگی بهبود وضعیت اقتصادی، افزایش استقلال مالی، ارتقای قدرت ریسک‌پذیری، و نوآوری همراه با افزایش ارتباطات و مشارکت گروهی را به دنبال داشته است. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش روشن‌نیا و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش زنان روستایی در توسعه و موانع و محدودیت‌های آنان» این مطلب است که زنان نیمی از منابع انسانی در نواحی روستایی‌اند که باید برای فعال کردن آن‌ها برنامه‌ریزی‌های لازم انجام گیرد تا به سرمایه‌ای قابل اتکا بدل شوند و در این راستا حضور در فعالیت‌های اقتصاد روستایی پیشنهاد می‌شود. فاضل‌نیا و خیرآبادی (۱۳۹۳) در پژوهش دیگری، با عنوان «بررسی نقش مشارکت زنان در پایداری اقتصاد روستایی»، پس از بیان اهمیت اقتصاد روستایی در توسعه کشور به بررسی موانع حضور زنان در اقتصاد روستایی پرداختند و در نهایت این نتیجه حاصل آمد که زنان، به‌عنوان نیمی از جمعیت روستاها، در اقتصاد روستایی حضور فعال‌تری داشته باشند تا بدین ترتیب از همه منابع انسانی بهره گرفته شود و این جمعیت از انزوا و کناره‌گیری خارج شود. همچنین، عنبری و حقی (۱۳۹۳) در پژوهش خود، با عنوان «بررسی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی زنان در شهرستان دلیجان»، به این نتیجه رسیدند که، در مجموع، سطح نشاط زنان وابسته به کیفیت زندگی آن‌ها بوده و در میان زنان روستایی مورد مطالعه احساس برابری و عدالت و مقبولیت اجتماعی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سطح نشاط آن‌هاست. افشانی (۱۳۹۲) در پژوهش دیگری، با عنوان «بررسی میزان نشاط اجتماعی در بین جوانان یزدی و عوامل مرتبط با آن»، پس از تجزیه و تحلیل داده‌های حاصله به این نتیجه رسید که میزان نشاط افراد شاغل بیشتر از افراد غیرشاغل بوده است و، به لحاظ جنسیت، زنان شاغل دارای نشاط بیشتری نسبت به مردان بوده‌اند. سروش مهر و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای، با عنوان «بررسی پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان همدان»، به دنبال تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده، مشارکت اقتصادی را از عوامل اصلی ارتقای پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه دانستند که قدر مسلم این ارتقای پایگاه اقتصادی و اجتماعی به معنی افزایش کیفیت ذهنی زندگی و مهم‌ترین برچسپ آن یعنی نشاط است. همچنین، در عرصه بین‌المللی، می‌توان به پژوهش آموریم (2017)، با عنوان «پیش‌بینی میزان نشاط در میان بازنشستگان شهری و روستایی در برزیل» اشاره کرد که یافته‌های پژوهش حاکی است که میزان نشاط در میان نواحی شهری بیشتر از نواحی روستایی بوده و دسترسی به خدمات اجتماعی، تنوع فعالیت‌ها، و وضعیت اقتصادی مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر میزان نشاط افراد مورد بررسی بودند. در مقاله اوزشین^۱ (2015)، با عنوان «جست‌وجوی عوامل مؤثر بر نشاط در منطقه روستایی کیوشو^۲ در ژاپن»، مهم‌ترین نتایج پژوهش به این شرح بود که در منطقه مورد مطالعه روستاییان با درصدی برابر ۵۳ درصد در سطح رضایت‌بخشی بانشاط بوده و از زندگی خود راضی بودند. هرچند که مردان بیشتر بر عوامل مادی و عینی (درآمد، دسترسی به خدمات و امکانات، و ...) متکی بودند، زنان، علاوه بر سطح درآمد و منابع مادی، به عوامل غیرمادی (احترام، مقبولیت اجتماعی، و ...) نیز به‌عنوان عوامل سازنده نشاط تأکید داشتند. هندراگاما^۳ (2013) در پژوهش خود، با عنوان

1. Özsen
2. Kyushu
3. Handaragama

«مشارکت اقتصادی زنان در توسعه روستایی در منطقه تونکاما^۱ در سریلانکا»، با تأکید بر این مطلب که مشارکت اقتصادی زنان در عرصه‌های روستایی به موضوعی در گفتمان سیاسی- اجتماعی در جهان و عامل توسعه روستایی بدل شده است، پس از بررسی وضعیت زنان شاغل در عرصه روستایی منطقه مورد مطالعه، به این نتیجه رسید که زنان نقش مهمی در اقتصاد خانوارها پیدا کرده‌اند و زنانی که در عرصه اقتصادی فعال بوده‌اند به دلیل افزایش قدرتمندی خود به شادمانی و سطح رضایتمندی بیشتری از زندگی دست یافته‌اند. اویشی و کسبیر^۲ (2011) در مقاله خود، با عنوان «برابری درآمدی و شادی»، پس از بررسی وضعیت جامعه آمریکا، دریافتند که عدالت و برابری در توزیع درآمد نقش بسیار مهمی در احساس نشاط جامعه دارد که اهمیت و تأثیر آن در میان اقشار فقیر و کم‌درآمد بسیار واضح‌تر از سایر اقشار است. رویو و ولازکو^۳ (2005) در پژوهش دیگری، با عنوان «تحلیلی بر ارتباط نشاط، رفاه عینی و ذهنی: شواهدی از روستاهای تایلند»، پس از بررسی وضعیت شاخص‌های عینی و ذهنی، بیان کردند که در روستاهای مورد مطالعه کمبود غذا، سطح پایین بهداشت و شیوع بیماری‌ها، و فقدان دارایی مهم‌ترین عوامل عینی مؤثر بر سطح نامناسب نشاط در میان روستاییان است. در نهایت نیز نتایج پژوهش بر تأثیر انکارناپذیر بهبود وضعیت اقتصادی بر میزان نشاط و رضایت از زندگی در میان روستاییان فقیر تأکید دارد.

روش پژوهش

پژوهش کاربردی حاضر به لحاظ روش توصیفی- تحلیلی است و متکی است بر روش مقایسه‌ای (میزان نشاط قبل و بعد از حضور در فعالیت اقتصادی و در میان زنان فعال و غیر فعال). به منظور گردآوری اطلاعات آن در بخش نظری با استفاده از منابع اسنادی و در بخش میدانی به روش پیمایشی از ابزارهای مشاهده و توزیع پرسش‌نامه بهره گرفته شده است. جامعه آماری این پژوهش زنان روستایی شاغل در بخش خاومیرآباد است که، با توجه به هدف تحقیق و دیدگاه کارشناسان و مسئولان توسعه منطقه، به روش هدفمند از میان سی روستای دارای سکنه این بخش هجده روستا دارای زنان شاغل و با ویژگی‌های مورد نظر پژوهش شناسایی شدند. در واقع، در این روستاها حضور زنان در فعالیتهای اقتصادی نمود واضحی داشته و پُررنگ است. در ادامه از هجده روستا، به دلیل گستردگی منطقه، ۵۰ درصد، معادل نه روستا به روش قرعه‌کشی به عنوان روستاهای هدف انتخاب شدند. سپس، با مراجعه به روستاها و هماهنگی با دهیاری‌ها، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، زنان دارای ویژگی‌های مورد نظر پژوهش شناسایی شدند؛ بدین ترتیب، تعداد کل زنان شاغل مورد نظر در روستاهای هدف تعیین شدند و در ادامه با روش کوکران از میان ۵۶۳ نفر ۲۰۰ زن شاغل به عنوان حجم نمونه تعیین شدند. سپس، پرسش‌نامه‌ها با مشخص شدن سهم هر روستا از تعداد کل پرسش‌نامه‌ها، به روش طبقه‌ای (جدول ۱)، در میان زنان روستایی شاغل در فعالیتهای اقتصادی آن روستاها به روش قرعه‌کشی توزیع شد. ذکر این نکته لازم است که منظور از زنان شاغل در این پژوهش زنانی بود که در روستاهای هدف در فعالیتهای مختلفی (همچون زراعت، باغداری، تهیه صنایع دستی و خانگی، تولید و فروش شیر، فروش مستقیم محصولات تولیدی به گردشگران، کار روزمزد در مزارع یک‌پارچه) مشارکت داشتند و دارای درآمد مستقل بودند. همچنین، گروه دیگر مورد بررسی زنان روستایی غیرفعال در اقتصاد روستایی بودند که به صورت رسمی فعالیت اقتصادی درآمدزا نداشتند؛ در این راستا نیز در روستاهای نمونه به تعداد زنانی که دارای فعالیت اقتصادی بودند و به عنوان حجم نمونه در آن روستا انتخاب شدند به همان تعداد نیز زنان روستایی غیرفعال در فعالیتهای اقتصادی انتخاب و پرسش‌نامه‌هایی در قالب طیف پنج‌تایی لیکرت (۱= خیلی کم ... ۵= خیلی زیاد) به منظور تعیین سطح نشاط آن‌ها در اختیارشان قرار گرفت با این تفاوت

1. Thunkama
2. Oishi and Kesebir
3. Royo and Velazco

که در گروه زنان دارای فعالیت اقتصادی سوالات به‌منظور اندازه‌گیری دو دوره قبل و بعد از مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و در زنان غیرفعال به‌صورت سنجش وضعیت فعلی سطح نشاط آن‌ها طراحی شد. به‌منظور اندازه‌گیری سازه نشاط، با توجه به مطالعات پیشین در ارتباط با نشاط و تعریف مورد پذیرش آن، یعنی فقدان احساسات منفی، داشتن احساسات مثبت، و داشتن رضایتمندی از زندگی و اینکه نشاط در ارتباط با محیط پیرامون و تعامل با اجتماع در محیط روستایی حاصل می‌آید، نشاط زنان روستایی در سه شاخص عاطفی (لذت و هیجان)، شناختی (ارزیابی رضایت از زندگی)، و اجتماعی (گسترش روابط با افراد و افزایش حمایت‌های اجتماعی) و در قالب ۲۹ متغیر بررسی شد (جدول ۲). روایی ابزار اندازه‌گیری با استفاده از دیدگاه دوازده تن از متخصصان عرصه روان‌شناسی، علوم اجتماعی، و برنامه‌ریزی روستایی در قالب محتوا و ظاهر و نیز توزیع بیست پرسش‌نامه به‌عنوان پیش‌آزمون و پایایی نیز با مقدار ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برابر ۰/۷۴ تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده نیز با استفاده از آزمون‌های آمار استنباطی شامل ویلکاکسون، T زوجی، T مستقل، و رگرسیون خطی انجام گرفت.

جدول ۱. توزیع طبقه‌ای پرسش‌نامه‌ها در میان زنان روستاهای نمونه

نام روستا	تعداد خانوار	تعداد زنان شاغل	تعداد پرسش‌نامه‌های تعلق‌گرفته
سیف‌سفلی	۱۲۸	۷۴	۲۶
ده ره‌وران	۸۳	۴۴	۱۶
کیکن	۵۱	۵۲	۱۹
ساوچی	۲۸۰	۱۱۰	۴۰
نچی	۵۴	۲۲	۸
بیلو	۱۱۴	۹۳	۳۳
ینگچیجه	۹۰	۴۹	۱۷
جشنی‌آباد	۷۶	۵۲	۱۸
خاو	۸۳	۶۷	۲۳
مجموع	۹۵۹	۵۶۳	۲۰۰

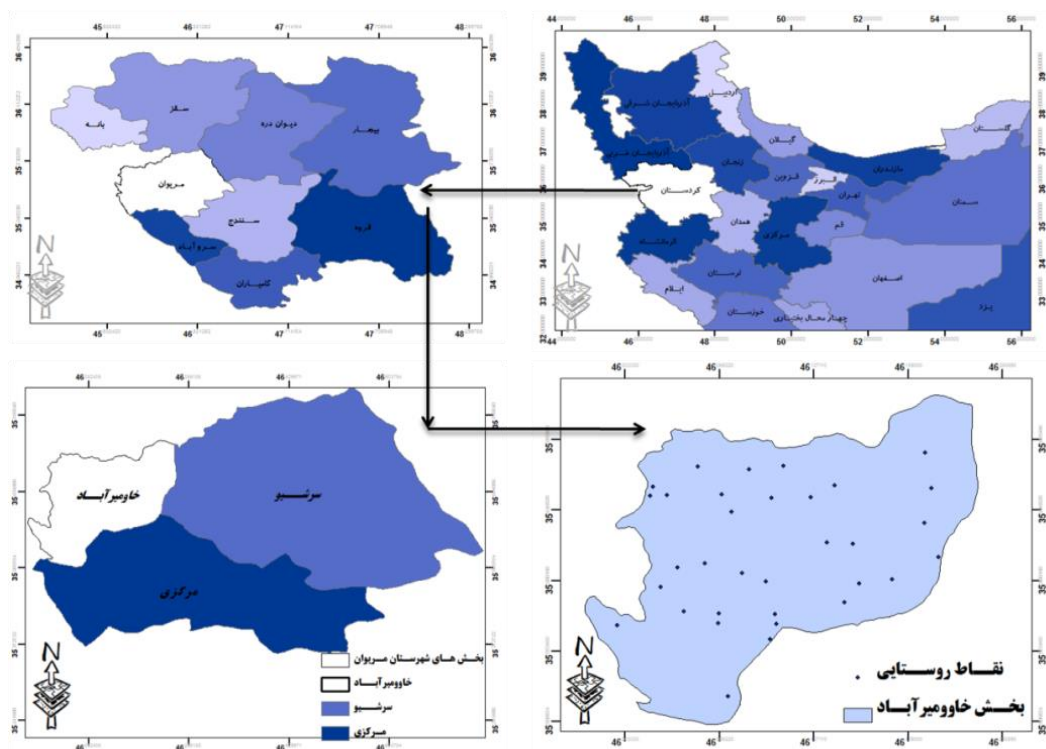
جدول ۲. شاخص‌ها و متغیرهای مورد بررسی نشاط زنان روستایی به‌واسطه اثرپذیری از مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی

مفهوم	شاخص	متغیر	پایایی
عاطفی		احساس خوشحالی - احساس امید به آینده (امیدواری) - احساس قدرت در کنترل همه جنبه‌های زندگی (احساس قدرتمندی) - احساس دل‌گرم‌بودن در زندگی - احساس راحتی و آرامش ذهنی - احساس افتخار به خود - لذت‌بردن از محیط روستا - لذت‌بردن از فعالیت و اشتغال درآمدزا - لذت از احساس برابری - احساس لذت از زن‌بودن - احساس لذت از استقلال مالی	۰/۷۹
		رضایت از وضعیت موجود در قیاس با گذشته - رضایت از وضع موجود در قیاس با حالت ایده‌آل - رضایت از خود در قیاس با افراد هم‌ردیف (زنان بدون شغل) - رضایت از شغل - رضایت از درآمد - رضایت و وابستگی به محیط روستا - رضایت از رسیدن به اهداف - رضایت از وضعیت بهداشت و تغذیه فردی و خانوادگی - رضایت از توان تأمین دسترسی به خدمات و امکانات جدید	۰/۷۱
اجتماعی		علاقه به انسان‌ها و دوست داشتن آن‌ها - توانایی تأثیرگذاری مثبت بر روی انسان‌های دیگر - شوخ‌طبعی و شوخی با دیگران - کنترل خود در برخورد با افراد و وقایع ناخوشایند - افزایش روحیه تعاون، همبستگی، و مشارکت در امور جمعی - استحکام خانواده - ارتقای نقش و پایگاه اجتماعی و خانوادگی	۰/۷۳

منابع: ربانی و همکاران، ۱۳۸۶؛ هزارجریبی و مرادی، ۱۳۹۳؛ غفاری و شیرعلی، ۱۳۹۴؛ ساریان و یاری‌حصار، ۱۳۹۶؛ ستریمیچینی، ۲۰۰۹

معرفی منطقه مورد مطالعه

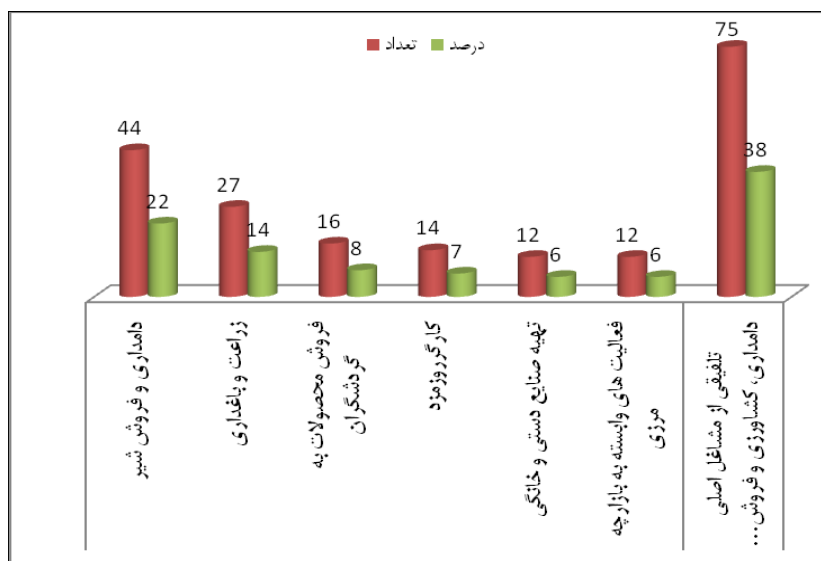
بخش خاومیرآباد به‌عنوان یکی از سه بخش شهرستان مریوان در استان کردستان، با مساحتی بالغ بر ۳۳۸ کیلومتر مربع، دارای سی روستای دارای سکنه، در منطقه صفر مرزی در همسایگی کشور عراق واقع شده است. این بخش به‌دلیل موقعیت استراتژیک و پتانسیل ارتباطی-تجاری دارای بازارچه مرزی و به‌دلیل مساعدت‌های طبیعی دارای وضعیت مطلوب دامداری (فروش روزانه شیر) و کشاورزی (فروش مستقیم محصولات تولیدی به شهرنشینان، اشتغال زنان در جمع‌آوری و کشت محصولات کارگربر مانند توت فرنگی و ...) است که در چند سال اخیر نیز فعالیت‌های آموزشی و ترویجی مربوط به صنایع دستی و کارگاهی در این بخش رواج یافته و زمینه‌ساز مشارکت بیشتر زنان در امور اقتصادی به‌صورت رسمی و مستقل شده است.



شکل ۱. موقعیت منطقه مورد مطالعه

بحث و یافته‌ها

همان‌طور که شکل ۲ نشان می‌دهد و در بخش‌های قبلی نیز به آن اشاره شد، زنان روستایی بخش خاومیرآباد در فعالیتهای مختلفی مشارکت داشته و دارای درآمدند. در این میان، ۳۸ درصد، به‌عنوان بیشترین درصد پاسخ‌گویان، شغل اصلی خود را، که از آن دارای درآمدند، تلفیقی از سه فعالیت عمده بخش بیان کرده‌اند؛ یعنی دامداری و فروش شیر، زراعت و باغداری، همراه فروش مستقیم محصولات تولیدی به گردشگران. ۲۲ درصد نیز دامداری و فروش شیر و به‌ترتیب ۱۴ و ۸ درصد نیز شغل اصلی و تنها منبع درآمدی خود را زراعت و باغداری و فروش مستقیم محصولات تولیدی به گردشگران بیان کرده‌اند.



شکل ۲. پاسخ‌های زنان مشارکت‌کننده در فعالیت‌های اقتصادی روستاها به شغل اصلی و منبع درآمدی‌شان

در ادامه، مقایسه وضعیت متغیرهای شاخص‌های نشاط در دو دوره قبل و بعد از مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی با استفاده از آزمون ویلکاکسون سنجش شد. همان‌طور که در جدول ۳ و در شاخص عاطفی مشاهده می‌شود، در همه متغیرها وضعیت نشاط زنان روستایی در دوره بعد از مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی نسبت به دوره قبل از آن با بهبود روبه‌رو بوده است و در همه متغیرها میانگین دوره بعد بیشتر از دوره قبل بوده و آماره Z محاسبه شده نیز در سطح آلفای ۰/۰۵ معنی‌دار محاسبه شده است. در میان متغیرهای این شاخص، متغیر لذت‌بردن از محیط روستا و سپس امید به آینده به ترتیب با افزایش میانگینی برابر ۱/۳۵ و ۱/۰۹ دارای بیشترین بهبود وضعیت بوده‌اند. همچنین، متغیر لذت از احساس برابری با مردان نیز متغیری است که دارای کمترین بهبود میانگین نسبت به دوره قبل بوده و محاسبه میانگینی در سطح متوسط برابر ۳/۱۴ در دوره بعد از مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی نشان می‌دهد هرچند که مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی مؤثر واقع شده، هنوز هم تا برابری‌ای که موردانتظار و رضایت زنان روستایی باشد فاصله وجود دارد. متغیرهای دیگری همچون احساس راحتی و آرامش ذهنی با میانگین محاسبه شده برابر ۳/۶۱، احساس افتخار به خود با میانگین ۳/۵۷، احساس قدرتمندی با میانگین ۳/۱۳، و احساس دل‌گرم‌بودن به زندگی با میانگین ۳/۷۶ متغیرهایی هستند که وضعیت رضایت‌بخش آن‌ها به دنبال مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی حاصل شده و می‌توان این وضعیت را بازتابی از اثرهای مستقیم فعالیت‌های اقتصادی یعنی لذت‌بردن از فعالیت و اشتغال درآمدزا و احساس لذت از استقلال مالی دانست که به ترتیب از میانگین‌های نامطلوب ۲/۸۵ و ۲/۷۵ در دوره قبل به میانگین‌های رضایت‌بخش ۳/۶۵ و ۳/۲۴ در دوره بعد از فعالیت اقتصادی رسیده‌اند. برآیند کلی این بهبود وضعیت‌ها را نیز می‌توان در افزایش احساس خوشحالی روستاییان با میانگین رضایت‌بخش ۳/۵۴ مشاهده کرد. همچنین، زنان روستایی با میانگین محاسبه شده برابر ۳/۸۵ در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ و با اطمینان ۹۵ درصد اظهار کرده‌اند که احساس لذت از زن‌بودنشان نسبت به دوره قبل از مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی بیشتر شده است؛ این امر را می‌توان بازتابی از تبدیل زنان از مصرف‌کننده بودن صرف در محیط مردانه‌ای همانند منطقه مورد مطالعه به عامل تولید و کسب درآمد دانست. ذکر این نکته لازم است که هرچند زنان در محیط‌های روستایی به صورت غیررسمی و نامرئی در فعالیت‌های تولیدی خانواده مشارکت دارند، بیشتر مردان انجام‌دادن این امور را وظیفه زنان می‌دانند و به صورت رسمی آن‌ها را عامل کسب درآمد و منبع گذران معیشت نمی‌دانند و بیشتر به دید مصرف‌کننده بودن به زنان نگریسته می‌شود.

جدول ۳. وضعیت اثرگذاری مشارکت در فعالیتهای اقتصادی بر وضعیت بُعد عاطفی نشاط زنان روستایی

بُعد	شاخص	رتبه مثبت	رتبه منفی	رتبه برابر	معنی داری	آماره z	میانگین دوره قبل	میانگین دوره بعد	اختلاف میانگین ها
حسّی	احساس خوشحالی	۹۵	۱۲	۹۳	۰/۰۰	-۷/۸۱	۲/۸۸	۳/۵۴	-۰/۶۶
	امید به آینده	۹۸	۲۷	۷۵	۰/۰۰	-۷/۷۲	۲/۸۷	۳/۹۶	-۱/۰۹
	احساس قدرتمندی	۷۰	۲۱	۱۰۹	۰/۰۰	-۵/۴۴	۲/۸۰	۳/۱۳	-۰/۳۳
	احساس دل گرم بودن در زندگی	۸۲	۱۰	۱۰۸	۰/۰۰	-۷/۴۶	۳/۰۲	۳/۷۶	-۰/۷۴
	احساس راحتی و آرامش ذهنی	۸۴	۱۰	۱۰۶	۰/۰۰	-۷/۲۰	۲/۹۱	۳/۶۱	-۰/۷۰
	احساس افتخار به خود	۹۷	۱۲	۹۱	۰/۰۰	-۸/۲۷	۲/۷۶	۳/۵۷	-۰/۸۱
	لذت بردن از محیط روستا	۱۲۹	۶	۶۵	۰/۰۰	-۹/۸۳	۲/۵۱	۳/۸۶	-۱/۳۵
	لذت بردن از فعالیت و اشتغال درآمدزا	۹۳	۱۳	۹۴	۰/۰۰	-۸/۰۹	۲/۸۵	۳/۶۵	-۰/۸۰
	لذت از احساس برابری	۷۷	۱۵	۱۰۸	۰/۰۰	-۶/۰۶	۲/۷۳	۳/۱۴	-۰/۴۰
	احساس لذت از زن بودن	۵۵	۵	۱۴۰	۰/۰۰	-۶/۳۵	۳/۴۰	۳/۸۵	-۰/۴۵
احساس لذت از استقلال مالی	۶۹	۲۸	۱۰۳	۰/۰۰	-۵/۹۲	۲/۷۵	۳/۲۴	-۰/۴۹	

مقایسه وضعیت متغیرهای شاخص شناختی نشاط زنان روستایی نیز (جدول ۴) نشان می‌دهد که مشارکت در فعالیتهای اقتصادی توانسته است، به شیوه‌ای رضایت‌بخش، موجب بهبود وضعیت متغیرهای این شاخص شود. مقدار معنی داری محاسبه شده برای همه متغیرها کمتر از سطح آلفای ۰/۰۰۵ بوده تا با اطمینان ۹۵ درصد به اثرگذاری مشارکت در فعالیتهای اقتصادی بر بهبود نشاط زنان روستایی در این متغیرها پی برد. در این میان، متغیر رضایت از وضعیت موجود در قیاس با گذشته با بیشترین افزایش میانگین برابر ۱/۲۱ نسبت به دوره قبل و رسیدن میانگین از مقدار نامطلوب ۲/۶۳ به مقدار مطلوب ۳/۸۴ دارای بیشترین اثرپذیری و بهبود وضعیت از مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی بوده است. اما، در مقابل، محاسبه میانگین نسبی و در حد متوسط برابر ۳/۱۵ در متغیر رضایت از وضع موجود در قیاس با ایده‌آل موردنظر نشان می‌دهد که هنوز تا رسیدن به وضعیت ایده‌آل و موردنظر زنان روستایی فاصله وجود دارد. همچنین، متغیر رضایت و وابستگی به محیط روستایی با بیشترین میانگین محاسبه شده در دوره بعد به مقدار مطلوب ۴/۰۹ رسیده و افزایش ۱/۰۷ میانگین نسبت به دوره قبل نشان می‌دهد که زنان روستایی کاملاً از محیط زندگی خود رضایت دارند و این امر را می‌توان بازتاب وضعیت متغیر لذت بردن از محیط روستا دانست که در شاخص عاطفی وضعیت آن به دنبال مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی بهبود یافته بود.

جدول ۴. وضعیت اثرگذاری مشارکت در فعالیتهای اقتصادی بر وضعیت شاخص شناختی نشاط زنان روستایی

بُعد	شاخص	رتبه مثبت	رتبه منفی	رتبه برابر	معنی داری	آماره z	میانگین دوره قبل	میانگین دوره بعد	اختلاف میانگین ها
حسّی	رضایت از وضعیت موجود در قیاس با گذشته	۱۱۳	۵	۸۲	۰/۰۰	-۹/۲۰	۲/۶۲	۳/۸۴	-۱/۲۱
	رضایت از وضع موجود در قیاس با حالت ایده‌آل	۱۳۱	۸	۶۱	۰/۰۰	-۹/۵۷	۲/۳۴	۳/۱۵	-۰/۸۱
	رضایت از خود در قیاس با افراد هم‌ردیف	۶۸	۱۱	۱۲۱	۰/۰۰	-۶/۹۸	۲/۸۸	۳/۴۸	-۰/۶۰
	رضایت از شغل	۸۳	۲۵	۹۲	۰/۰۰	-۷/۵۱	۲/۵۹	۳/۴۹	-۰/۹۰
	رضایت از درآمد	۱۲۶	۸	۶۶	۰/۰۰	-۹/۶۴	۲/۱۶	۳/۲۶	-۱/۱
	رضایت و وابستگی به محیط روستا	۱۳۵	۱۲	۵۴	۰/۰۰	-۹/۷۱	۳/۰۲	۴/۰۹	-۱/۰۷
	رضایت از رسیدن به اهداف	۹۲	۱۰	۹۸	۰/۰۰	-۸/۱۰	۲/۵۲	۳/۲۷	-۰/۷۵
	رضایت از وضعیت بهداشت و تغذیه فردی و خانوادگی	۵۷	۱۰	۱۳۳	۰/۰۰	-۵/۳۰	۳/۱۵	۳/۶۲	-۰/۴۷
	رضایت از توان تأمین و دسترسی به خدمات و امکانات	۸۳	۴	۱۱۳	۰/۰۰	-۷/۸۹	۲/۷۷	۳/۴۱	-۰/۶۴

شاخص دیگر موردسنجش در ارتباط با نشاط زنان روستایی شاخص اجتماعی است. در این شاخص، همان‌طور که پاسخ‌های روستاییان در جدول ۵ آورده شده است، وضعیت نشان‌دهنده رضایت‌بخش بودن تغییرات سطح نشاط زنان روستایی در دوره بعد نسبت به دوره قبل از مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی است. در این شاخص، عموماً وضعیت دوره قبل متغیرها به‌طور نسبی رضایت‌بخش بوده و در دوره بعد این وضعیت به درجه مطلوب‌تری رسیده است. در این میان، تنها متغیری که میانگین دوره قبل از آن از مقدار نامطلوب ۲/۸۷ به مقدار رضایت‌بخش ۳/۳۶ رسیده است متغیر افزایش روحیه تعاون و مشارکت‌های زنان روستایی در امور جمعی همانند مشارکت در مراسم‌های عروسی یکدیگر، قرض‌دادن پول به یکدیگر، مشورت در ارتباط با امور شغلی و انتقال تجربیات کاری به یکدیگر، کمک به هم‌دیگر در انجام‌دادن کارها (دام‌پروری، ساختن و تکمیل صنایع دستی (قالی‌بافی) و ...) است. همچنین، متغیری که با ۰/۶۲ افزایش میانگین نسبت به دوره قبل دارای بیشترین بهبود وضعیت بوده است متغیر کنترل خود در برخورد با افراد و وقایع ناخوشایند است که با مقدار میانگین مطلوب ۳/۷۹ در دوره بعد از مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی محاسبه شده است و این امر نشان از افزایش قدرت خودکنترلی زنان روستایی در محیط اجتماعی روستا دارد و به عبارت دیگر نشان می‌دهد که قدرت تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری روانی زنان روستایی در برخورد با افراد و وقایع ناخوشایند افزایش یافته است. در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که زنان روستایی با میانگین رضایت‌بخش محاسبه شده برابر ۳/۶۸ بر آن‌اند که مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و آثار آن موجب ارتقای نقش آن‌ها و پایگاه اجتماعی و خانوادگی‌شان شده است و استحکام خانوادگی آن‌ها نیز از میانگین نسبی ۳/۳۱ به میانگین رضایت‌بخش ۳/۷۸ رسیده است که قدر مسلم افزایش توانایی‌های مالی، توان تأمین هزینه‌ها و تهیه امکانات و خدمات جدید، احساس آسودگی خیال و آرامش ذهنی به‌واسطه رضایت از وضعیت موجود و قیاس خود با دیگران، که در شاخص‌های عاطفی و شناختی آورده شدند، دلایل بهبود شاخص‌های خانوادگی و اجتماعی ذکر شده‌اند. همچنین، زنان بانشاط قطعاً در تربیت فرزندان و مدیریت خانواده موفق‌تر خواهند بود که نتیجه این امر نیز استحکام و دوام خانواده خواهد بود.

جدول ۵. وضعیت اثرگذاری مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی بر وضعیت شاخص اجتماعی نشاط زنان روستایی

ردیف	شرح شاخص	میانگین دوره قبل	میانگین دوره بعد	تغییر	میانگین رضایت‌بخش	میانگین نامطلوب	تفاوت
۴۰	علاقه به انسان‌ها و دوست‌داشتن آن‌ها	۳/۴۵	۳/۶۵	۰/۲۰	۱۵۷	۰/۱۰۰	۰/۲۰
۳۶	تأثیرگذاری مثبت بر روی انسان‌ها	۳/۰۷	۳/۲۶	۰/۱۹	۱۵۵	۰/۱۰۰	۰/۱۹
۴۹	شوخی طبیعی و شوخی با دیگران	۳/۲۱	۳/۵۴	۰/۳۳	۱۳۶	۰/۱۰۰	۰/۳۳
۷۶	کنترل خود در برخورد با افراد و وقایع ناخوشایند	۳/۱۷	۳/۷۹	۰/۶۲	۱۱۶	۰/۱۰۰	۰/۶۲
۹۸	افزایش روحیه تعاون، همبستگی، و مشارکت‌ها در امور جمعی	۲/۷۸	۳/۳۶	۰/۵۸	۸۹	۰/۱۰۰	۰/۵۸
۶۸	استحکام خانواده	۳/۳۱	۳/۷۸	۰/۴۷	۱۲۷	۰/۱۰۰	۰/۴۷
۸۴	ارتقای نقش و پایگاه اجتماعی و خانوادگی	۳/۱۱	۳/۶۸	۰/۵۷	۱۰۸	۰/۱۰۰	۰/۵۷

در مجموع نیز، همان‌طور که آزمون T زوجی در جدول ۶ نشان می‌دهد، میانگین‌های دوره قبل و بعد هر یک از شاخص‌های نشاط زنان روستایی به‌واسطه حضور در فعالیت‌های اقتصادی در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ و با اطمینان ۹۵ درصد دارای تفاوت معنی‌داری است؛ به‌گونه‌ای که میانگین متغیرهای شاخص عاطفی از مقدار نامطلوب ۲/۸۷ به ۳/۵۶، میانگین متغیرهای شاخص شناختی از مقدار نامطلوب ۲/۶۷ به ۳/۵۱، و میانگین متغیرهای شاخص اجتماعی نیز از مقدار ۳/۱۵ دوره قبل به مقدار رضایت‌بخش ۳/۵۸ در دوره بعد از حضور زنان در فعالیت‌های اقتصادی افزایش یافته است. در مجموع نیز مقدار مطلوب آماره T در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ و ارتقای ۰/۶۵ میانگین از مقدار نامطلوب ۲/۸۹ دوره قبل

به مقدار رضایت‌بخش ۳/۵۵ در دوره بعد نشان می‌دهد که با ۹۵ درصد اطمینان حضور زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی موجب افزایش سطح نشاط آنها شده است.

در ادامه، به منظور سنجش تفاوت میزان نشاط زنان روستایی دارای فعالیت اقتصادی با زنان غیرفعال از آزمون t مستقل بهره گرفته شد. همان‌طور که نتایج ارائه‌شده در جدول ۷ نشان می‌دهد، با توجه به سطح معنی‌داری محاسبه‌شده کمتر از سطح آلفای ۰/۰۵، فرض برابری واریانس‌ها در درصد آزمون لون رد شده و نتایج ارائه‌شده با توجه به فرض عدم برابری واریانس‌ها ارائه شده که با در نظرگیری معنی‌دار بودن مقدار آماره T محاسبه‌شده در سطح آلفای ۰/۰۵، با اطمینان ۹۵ درصد، اختلاف سطح نشاط این دو گروه پذیرفته می‌شود و با توجه به میانگین‌های حاصله نیز می‌توان پی برد که میزان نشاط زنان فعال در اقتصاد روستایی با میانگین رضایت‌بخش ۳/۵۵ در مقابل میانگین نامطلوب ۲/۹۶ زنان غیرفعال در اقتصاد روستاها قرار دارد.

جدول ۶. وضعیت اثرگذاری مشارکت در فعالیتهای اقتصادی بر وضعیت شاخص‌های نشاط زنان روستایی

میانگین نشاط	آزمون لون برای برابری واریانس‌ها		برای میانگین‌ها T آزمون				
	میانگین	آماره F	سطح معنی‌داری (معنی‌داری واریانس‌ها)	آماره T	تعداد هر گروه	معنی‌داری دوگانه (برابری میانگین‌ها)	اختلاف میانگین‌ها
زنان فعال در اقتصاد روستا	۳/۵۵						
زنان غیرفعال در اقتصاد روستا	۲/۹۶						
فاصله اطمینان ۹۵ درصد							
حد بالا							۰/۷۰۹
حد پایین							۰/۴۷۱
با فرض نابرابری واریانس‌ها	۴۴/۰۵		۰/۰۰۰	۹/۷۶	۲۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۹۰

جدول ۷. تفاوت میانگین‌های سطح نشاط دو گروه زنان فعال در عرصه اقتصاد روستا با زنان غیرفعال

شاخص‌های نشاط	میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		T آماره	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
		کران پایین	کران بالا			
عاطفی	قبل: ۲/۸۷					
	بعد: ۳/۵۶	-۰/۷۸۶	-۰/۶۲۷	-۱۷/۵۵	۱۹۹	۰/۰۰۰
تفاوت میانگین‌ها: -۰/۷۰۷						
شناختی	قبل: ۲/۶۷					
	بعد: ۳/۵۱	-۰/۹۲۰	-۰/۷۶۲	-۲۰/۹۸	۱۹۹	۰/۰۰۰
تفاوت میانگین‌ها: -۰/۸۴۱						
اجتماعی	قبل: ۳/۱۵					
	بعد: ۳/۵۸	-۰/۴۹۵	-۰/۳۵۱	-۱۱/۶۰	۱۹۹	۰/۰۰۰
تفاوت میانگین‌ها: -۰/۴۲۳						
مجموع (نشاط زنان روستایی مشارکت‌کننده در فعالیتهای اقتصادی)	قبل: ۲/۸۹					
	بعد: ۳/۵۵	-۰/۷۱۶	-۰/۵۹۸	-۲۲/۰۶	۱۹۹	۰/۰۰۰
تفاوت میانگین‌ها: -۰/۶۵۷						
شاخص‌های نشاط	میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		T آماره	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
		کران پایین	کران بالا			
عاطفی	قبل: ۲/۸۷					
	بعد: ۳/۵۶	-۰/۷۸۶	-۰/۶۲۷	-۱۷/۵۵	۱۹۹	۰/۰۰۰
تفاوت میانگین‌ها: -۰/۷۰۷						
شناختی	قبل: ۲/۶۷					
	بعد: ۳/۵۱	-۰/۹۲۰	-۰/۷۶۲	-۲۰/۹۸	۱۹۹	۰/۰۰۰
تفاوت میانگین‌ها: -۰/۸۴۱						
اجتماعی	قبل: ۳/۱۵					
	بعد: ۳/۵۸	-۰/۴۹۵	-۰/۳۵۱	-۱۱/۶۰	۱۹۹	۰/۰۰۰
تفاوت میانگین‌ها: -۰/۴۲۳						
مجموع (نشاط زنان روستایی مشارکت‌کننده در فعالیتهای اقتصادی)	قبل: ۲/۸۹					
	بعد: ۳/۵۵	-۰/۷۱۶	-۰/۵۹۸	-۲۲/۰۶	۱۹۹	۰/۰۰۰
تفاوت میانگین‌ها: -۰/۶۵۷						

در ادامه به منظور مشخص کردن عوامل مؤثر بر نشاط زنان روستایی از آزمون رگرسیون خطی استفاده شد و متغیرها وارد مدل گردید. نخست، ذکر این نکته لازم است که مقدار ضریب تعیین تعدیل شده در مدل اجرا شده برابر ۰/۵۳ بوده است؛ این بدین معنی است که متغیرهای وارد شده در مدل توانایی تبیین ۵۳ درصد از تغییرات میزان نشاط زنان روستایی را دارند. همچنین، مقدار آماره F در سطح معنی داری ۰/۰۵ برابر ۰/۰۰۰ محاسبه شد تا این نتیجه نیز نشان دهنده مناسب بودن مدل یا به عبارتی توانایی متغیرهای مستقل در تبیین تغییرات متغیر وابسته باشد. همان طور که نتیجه نهایی در جدول ۸ نشان می‌دهد، در میان متغیرهای مورد نظر، با توجه به مقدار معنی داری محاسبه شده که کمتر از سطح معنی داری ۰/۰۵ است، متغیرهای میزان درآمد، تعداد زنان شاغل در روستا، و مدت زمان حضور و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی متغیرهایی هستند که میزان نشاط زنان روستایی را تبیین می‌کنند و دارای ارتباط معنی داری از نوع مثبت و مستقیم با سطح نشاط زنان روستایی هستند. با توجه به مقدار بتا و آماره T محاسبه شده نیز این متغیر میزان درآمد حاصله است که بیشترین نقش تبیین کنندگی در میان متغیرهای مؤثر بر نشاط زنان روستایی را دارد.

جدول ۸. نتایج آزمون رگرسیون عوامل مؤثر بر نشاط زنان روستایی مشغول به فعالیت اقتصادی

مدل	ضریب رگرسیون		آماره T	معنی داری
	استاندارد نشده	استاندارد شده		
	B	بتا		
مقدار ثابت	۲/۲۳	۰/۱۴۶	۱۵/۲۵	۰/۰۰۰
میزان درآمد حاصله از فعالیت اقتصادی	۰/۱۷۱	۰/۰۲۶	۶/۵۹	۰/۰۰۰
تعداد زنان مشارکت کننده در فعالیت‌های اقتصادی	۰/۱۴۴	۰/۰۲۹	۵/۰۴	۰/۰۰۲
سن	۰/۰۳۵	۰/۰۴۴	۰/۷۹۲	۰/۴۲۹
مدت زمان حضور در فعالیت‌های اقتصادی	۰/۰۹۳	۰/۰۲۱	۴/۴۴	۰/۰۰۶
تأهل	۰/۰۱۰	۰/۰۲۷	۰/۳۵۹	۰/۵۲۰

متغیر وابسته: میزان نشاط زنان روستایی مشغول به فعالیت اقتصادی

نتیجه گیری

در پژوهش حاضر به بررسی تغییرات سطح نشاط زنان به واسطه حضور و مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی پرداخته شد. سؤال‌هایی در پژوهش مطرح بودند که براساس یافته‌های پژوهش به شرح زیر به آن‌ها پاسخ داده شد:

سؤال اول: مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی چه تأثیراتی در وضعیت نشاط آن‌ها نسبت به دوره قبل از آن داشته است؟ در ارتباط با پاسخ گویی به این سؤال، نتیجه مقایسه دوره قبل و بعد از حضور زنان در فعالیت‌های اقتصادی روستاها با استفاده از آزمون ویلکاکسون بررسی شد که در هر سه شاخص عاطفی، شناختی، و اجتماعی و در همه متغیرهای مورد بررسی وضعیت نشاط زنان روستایی نسبت به دوره قبل بهبود یافته است. در مجموع نیز ارتقای میانگین نشاط زنان روستایی از میانگین نامطلوب ۲/۸۹ دوره قبل به ۳/۵۵ دوره بعد در سطح معنی داری ۰/۰۵ نشان داد که با ۹۵ درصد اطمینان حضور زنان در فعالیت‌های اقتصادی مطابق با نتایج پژوهش‌های یعقوبی فرانی و جلیلیان (۱۳۹۴)، سروش مهر و همکاران (۱۳۸۸)، هندراگما (۲۰۱۳)، و رویو و ولازکو (۲۰۰۵) موجب افزایش میزان نشاط آن‌ها شده است و این نتیجه بدین معنی است که مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی موجب شده که زنان روستایی از جنبه‌های مختلف زندگی خود احساس لذت کنند (عاطفی)، در محیط اجتماعی پذیرفته شوند، نقش و پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان ارتقا یابد و تعامل مناسبی با دیگران برقرار کنند (اجتماعی) تا برآیند این‌ها نیز حس کلی رضایت از زندگی (شناختی)

باشد. در میان شاخصهای موردسنجش نشاط زنان روستایی، شاخصهای شناختی با بیشترین میزان ارتقای میانگین از ۲/۶۷ دوره قبل به ۳/۵۱ دوره بعد رسیدهاند و این بدین معنی است که بهواسطه حضور در فعالیتهای اقتصادی زنان روستایی از مقایسه خود با دیگران و ایدهآلهایی که مدنظر داشتند رضایت دارند. نکته قابل بحث در نتایج بهدستآمده، محاسبه متغیر احساس لذت از محیط روستا و رضایت و وابستگی به روستا به ترتیب در شاخصهای عاطفی و شناختی نشاط زنان روستایی است که با محاسبه میانگینهای برابر ۳/۸۶ و ۴/۰۹ دارای بیشترین بهبود وضعیت به دنبال حضور زنان در فعالیتهای اقتصادی بودهاند. این امر مطابق با نتایج پژوهش منوچهری و همکاران (۱۳۹۴) نشاندهنده اهمیت اقتصاد و پویایی شاخصهای آن بهویژه رفع فقر و بیکاری به عنوان موانع اصلی تحقق محیط قابل زیست و بانشاط روستاییان است. بهواقع، پایداری و ماندگاری جمعیت روستایی در گرو حضور آنها در فعالیتهای اقتصادی سودآور است و اقتصاد پایه اصلی ایجاد محیط بانشاط و قابل زیست در روستاها بهویژه روستاهای محروم و مرزی همانند منطقه مورد مطالعه است که بهدلیل دوری از منافع توسعه در برنامه ریزی تمرکزگرا تلاش اصلی برای بقاست. همانطور که در بحث مبانی نظری پژوهش نیز به آن اشاره شد، دستیابی به منافع اقتصادی و درآمد در میان همه اقشار و جوامع رابطه ای مستقیم و مطلق با نشاط و بهزیستی ذهنی آنها ندارد، اما در جوامع فقیر و در انزوا همانند مناطق روستایی و بهویژه قشر در تبعیض زنان در مراحل اولیه توسعه، نیاز مبرم و انکارناپذیری به ایجاد شغل و درآمد و حضور روستاییان در فعالیتهای اقتصادی سودآور وجود دارد و در این مرحله ارتباط مستقیمی بین کیفیت حضور و مشارکت در فعالیتهای اقتصادی و لمس منافع آن با نشاط روستاییان وجود خواهد داشت.

سؤال دوم: چه تفاوتی بین وضعیت نشاط زنان روستایی فعال در اقتصاد روستا با زنان غیرفعال وجود دارد؟

در راستای پاسخگویی به سؤال دوم از آزمون t مستقل استفاده شد و سطح نشاط زنان روستایی در دو گروه دارای فعالیت اقتصادی و فاقد فعالیت اقتصادی مقایسه شد که، درنهایت، نتایج آزمون مطابق با نتایج پژوهشهای افشانی (۱۳۹۲) و سروش مهر و همکاران (۱۳۸۸) نشان داد که میانگین نشاط زنان دارای فعالیت اقتصادی برابر ۳/۵۵ بوده و میانگین میزان نشاط زنان فاقد فعالیت اقتصادی برابر میانگین نامطلوب ۲/۹۶ محاسبه شد تا باتوجه به مقداری معنی داری محاسبه شده (۰/۰۰۰) در سطح اطمینان ۹۹ درصد بتوان اظهار کرد که نشاط در میان زنان روستایی دارای فعالیت اقتصادی بیشتر و مطلوبتر از زنان فاقد فعالیت اقتصادی است.

سؤال سوم: متغیرهایی همچون تعداد زنان مشارکتکننده در فعالیتهای اقتصادی در روستا، میزان درآمد حاصل از مشارکت در فعالیتهای اقتصادی، تأهل، سن، مدت حضور در فعالیت اقتصادی، به چه میزان، قدرت تبیین میزان نشاط زنان روستایی مشغول به فعالیت اقتصادی را دارا هستند؟ به منظور پاسخگویی به این سؤال پژوهش از آزمون رگرسیون استفاده شد که، باتوجه به مقدار معنی داریهای محاسبه شده، نتایج نشاندهنده قدرت تبیینکنندگی میزان نشاط زنان روستایی با سه متغیر میزان درآمد و مدت حضور زنان و نیز تعداد زنان مشارکتکننده روستاها در فعالیتهای اقتصادی است؛ به گونه ای که این سه متغیر ۵۳ درصد از تغییرات میزان نشاط زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه را تبیین می کنند. نوع روابط محاسبه شده نیز مثبت و مستقیم بود تا بتوان اظهار کرد هرچه میزان درآمد حاصله زنان روستایی بیشتر باشد، مدت زمان حضور مستقیم آنها در فعالیتهای اقتصادی بیشتر است و نیز هرچه در روستاها تعداد زنان بیشتری مشغول به فعالیت اقتصادی باشند، میزان نشاط زنان روستایی نیز افزایش می یابد. در این میان، متغیر درآمد بیشترین میزان بتای حاصله یا قدرت پیش بینی میزان نشاط زنان روستایی را به خود اختصاص داده است تا، همانطور که پیشتر گفته شد، هرگونه برنامه ای برای زیست پذیری و بانشاط کردن محیطهای روستایی در انزوا و محروم بهویژه مناطق مرزی در ابتدا باید منافع اقتصادی زودبازده را در اختیار روستاییان قرار دهد و هرچه کیفیت لمس آثار این منافع بیشتر باشد، تحقق

مطلوبیت شاخص‌های نشاط روستاییان آسان‌تر خواهد بود. در واقع، کیفیت درآمد و مشاغل ایجاد شده نقشی تسهیل‌کننده، روان‌کننده، و کاتالیزور در جهت ایجاد محیطی بانشاط در روستاها ایفا می‌کند. در نهایت، باتوجه به نتایج حاصله مطابق با نتایج پژوهش‌های فاضل‌نیا و خیرآبادی (۱۳۹۳) و روشن‌نیا و همکاران (۱۳۹۴)، می‌توان گفت که در سطح ملی، در نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی کشور، باید به سمت ایجاد تنوع در اقتصاد روستایی حرکت کرد و در این زمینه فعالیت‌ها و مشاغل ایجاد کرد؛ به گونه‌ای که حضور مستقیم زنان را نیز شامل شود تا در کنار سودآوری اقتصادی و گذران معیشت روستاییان، نشاط زنان روستایی نیز حاصل آید؛ این امر نیز زمینه‌ساز دستیابی به اهداف دیگری همچون حصول برابری جنسیتی خواهد شد که یکی از اهداف اصلی توسعه پایدار روستایی معرفی شده است. در واقع، بایستی نقش‌های چندگانه زنان در تدوین قوانین و سیاست‌گذاری‌ها به رسمیت شناخته شود. همچنین، در سطح محلی و منطقه مورد مطالعه نیز نیاز است که زمینه مشارکت زنان بیشتری از روستاهای بخش در فعالیت‌های اقتصادی فراهم شود و در این ارتباط زمینه‌سازی‌های قانونی همچون اعطای وام‌های کم‌بهره و بلندمدت، ارائه بسته‌های حمایتی و سیاست‌های تشویقی و بهره‌گیری از آگاهان و مسئولان دینی روستایی برای آگاه‌سازی مردم محلی در جهت تغییر نگاه و عقاید محدودکننده راهکارهایی کارا خواهد بود. در این راستا، الگوسازی و نشان‌دادن آثار مثبت مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی باید به شیوه‌ای مطلوب انجام گیرد و از دیدگاه صرف درآمدزایی به سوی آثار مثبت دیگر در زمینه‌های خانوادگی، اجتماعی، و فرهنگی معطوف شود و در مجموع بهزیستی ذهنی و نشاط زنان روستایی به عنوان یک نیاز و هدف در زندگی مطرح شود. همچنین، برگزاری فعالیت‌های آموزشی و ترویجی از سوی نهادهای مسئول توسعه روستایی منطقه از جمله جهاد کشاورزی، سازمان گردشگری، و صنایع دستی با همکاری بخشداری و دهیاری‌ها به منظور توانمندسازی زنان روستایی جهت مشارکت در مشاغل تولیدی پیشنهاد دیگر این پژوهش است. در این زمینه، بهره‌گیری از سازمان‌های مردم‌نهاد، که در منطقه نیز در چندساله اخیر رشد و نفوذ قابل توجهی داشته‌اند، می‌تواند به اثرگذاری و پذیرش چنین برنامه‌هایی کمک شایانی کند. همچنین، باتوجه به نقش مؤثر درآمد در افزایش نشاط زنان روستایی منطقه مورد مطالعه، پیشنهاد دیگر پژوهش افزایش میزان درآمد زنان روستایی است؛ این امر از طریق ایجاد صندوق‌هایی به منظور جمع‌آوری پس‌اندازهای خرد زنان روستایی و سرمایه‌گذاری در امور تولیدی و نیز ایجاد مشاغل فرعی و مکمل دیگری که باتوجه به توان منطقه است و به تحصیلات و سرمایه زیاد نیاز نداشته باشد، از جمله گسترش گردشگری روستایی، امکان‌پذیر خواهد بود.

منابع

۱. افراخته، حسن (۱۳۹۱). مرز، سرمایه اجتماعی، توسعه و امنیت نواحی مرزی، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۲. افشانی، علی‌رضا (۱۳۹۲). بررسی میزان نشاط اجتماعی در بین جوانان یزدی و عوامل مرتبط با آن، فصل‌نامه تحلیل اجتماعی، ۷(۴): ۱-۱۸.
۳. ادیسی، افسانه و حاتم‌وند، زیبا (۱۳۹۱). بررسی مکانیزم تأثیرگذاری اشتغال بر کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، ۳(۳): ۱۰۳-۱۱۵.
۴. ربانی، رسول؛ ربانی، علی؛ گنجی، محمد و عابدی، محمدرضا (۱۳۸۶). فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان، فصل‌نامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۳(۸): ۴۱-۷۸.
۵. روشن‌نیا، داوود؛ خادمی، رقیه؛ کردی، لیلا و صالحی، ژیلا (۱۳۹۴). بررسی نقش زنان روستایی در توسعه و موانع و محدودیت‌های آنان، ماه‌نامه اجتماعی، اقتصادی، علمی، و فرهنگی کار و جامعه، ۵(۱۹۰): ۸۱-۹۲.
۶. ساریان، حیدر و یاری‌حصار، ارسطو (۱۳۹۶). عوامل مؤثر در بهبود نشاط اجتماعی از دیدگاه روستاییان (مطالعه موردی: شهرستان اردبیل)، فصل‌نامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۷(۲۵): ۴۱-۵۳.
۷. سروش مهر، همایون؛ رفیعی، حامد؛ کلانتری، خلیل و شعبان‌علی، حسین (۱۳۸۸). بررسی پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهرستان همدان)، فصل‌نامه پژوهش‌های روستایی، ۱(۱): ۱-۲۳.
۸. خورشیدی، رضا (۱۳۹۳). نظریه نشاط اجتماعی؛ درآمدی بر راه‌های ارتقای نشاط اجتماعی، رشد آموزش علوم اجتماعی، ۶۲(۸): ۷-۴.
۹. عنبری، موسی و حقی، سمیه (۱۳۹۳). بررسی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی زنان، مورد مطالعه: زنان مناطق شهری و روستایی شهرستان دلیجان، فصل‌نامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۵(۱): ۱-۲۶.
۱۰. عنبری، موسی و حقی، سمیه (۱۳۹۲). اثر ریسک‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی زنان، فصل‌نامه توسعه روستایی، ۵(۱): ۱۳۳-۱۵۸.
۱۱. غفاری، غلام‌رضا و شیرعلی، ابراهیم (۱۳۹۴). بررسی وضعیت نشاط اجتماعی در بین شهروندان و رابطه آن با احساس امنیت اجتماعی (نمونه موردی: جوانان ۱۸-۲۹ شهر تهران)، فصل‌نامه علمی-پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، ۳(۴۵): ۳۳-۵۷.
۱۲. فاضل‌نیا، غریب و خیرآبادی، زهرا (۱۳۹۳). بررسی نقش مشارکت زنان در پایداری اقتصاد روستایی، همایش ملی توسعه روستایی، تهران.
۱۳. فرهادی، علی (۱۳۸۴). میزان نشاط و ارتباط آن با اعتماد به نفس در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان، فصل‌نامه اصول بهداشتی و روانی، ۷(۲۵): ۵۷-۶۲.
۱۴. ماجدی، سیدمسعود و لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی، و رضایت از کیفیت زندگی: مطالعه موردی در روستاهای فارس، فصل‌نامه روستا و توسعه، ۹(۴): ۹۱-۱۳۵.
۱۵. منوچهری، سوران؛ امان‌پور، سعید؛ اکبری، مهناز و عباسی، زهرا (۱۳۹۴). تحلیلی بر تأثیرات حذف قاچاق کالا بر تغییرات سطح کیفیت زندگی روستاییان (مطالعه موردی: روستاهای مرزی شهرستان مریوان)، فصل‌نامه سپهر، ۲۴(۹۶): ۱۲۱-۱۳۲.
۱۶. هزارجریبی، جعفر و مرادی، سجاد (۱۳۹۳). نشاط اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه‌ای در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی)، فصل‌نامه مطالعات ملی، ۴(۶۰): ۳-۲۲.
۱۷. هوشنگی، همین (۱۳۹۶). تحلیلی بر نقش بازارچه‌های مرزی بر زیست‌پذیری نواحی روستایی (مطالعه موردی: بخش مرزی خاوومیرآباد شهرستان مریوان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور.

۱۸. یعقوبی فرانی، احمد و جلیلیان، سارا (۱۳۹۴). اثرات اقتصادی و اجتماعی مشاغل خانگی زنان روستایی در شهرستان اسلام‌آباد غرب، فصل‌نامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۴(۱۲): ۹۳-۱۱۳.
19. Altiner, S. (2015). Happiness, a thesis submitted for a master degree in religion culture and society university of leiden, leiden – Holland.
20. Amorim, S. (2017). Predictors of happiness among retired from urban and rural areas in Brazil, *Psicologia: Reflexão e Crítica*, 30(2): 2-8.
21. Bonnke, P. (2007). Does society matter life satisfaction in the Enlarged Europe, *Social indicators research*, 8(1): 189-210.
22. Brülde, B. (2004). Happiness and the good life, *Philosophical Communications*, Dept. of Philosophy, Goteborg University, Sweden, *Web Series*, 32(5): 1-32.
23. Christopher, J. (2010). Money and Happiness: Rank of Income, Not Income, Affects Life Satisfaction, *Psychological Science*, 21(4): 471-475.
24. Diener, E. and Suh, E. (1997). Measuring quality of life: economic, social, and subjective indicators, *Social indicators research*, 40(2): 189-216.
25. Dindarlk, M. et all. (2016). Religiosity and happiness: A comparison of the happiness levels between the religious and the nonreligious, *The Journal of Happiness & Well-Being*, 4(1): 115-127.
26. Durumlari, D. and Kavramim, M. (2016). Affective states and the notion of happiness, *The Journal of Happiness & Well-Being*, 4(1): 101-114.
27. Eid, M. and Randy, L. (2008). *The Science of Subjective Well-Being*. New York: The Guilford Press. at: <https://www.amazon.com/Science-Subjective-Well-Being-Michael-Eid/dp/1606230735>.
28. Filippa, F. (2010). R dp and quality of life in rural areas: evaluation of the possible effects in piedmont , *Rural development: governance, policy design and delivery, Paper prepared for presentation at the 118th seminar of the EAAE (European Association of Agricultural Economists)*.
29. Gondos, B. (2014). Relationship between tourism and quality of life researches at lake balaton, he British Standard of Living, *Economic History Review*, 10(1): 875-898.
30. Hall, J. and Helliwell, J. (2013). *Happiness and Human Development*, UNDP Human development report office occasional paper.
31. Handaragama, S. (2013). Women's Economic Participation in Rural Development, *International Journal of Education and Research*, 1(8): 1-18.
32. Kamp, I. (2003). Urban environmental quality and human well-being Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study, *Landscape and Urban Planning*, 65(6): 5-18.
33. Kaun, D. (2005). Income and happiness: earning and spending as sources of discontent, *Journal of Socio-Economics*, 34(2): 161-177.
34. Keshavarz, M. and Karimi, E. (2012). Drought and happiness in rural Iran, *Journal of Soil Science and Environmental Management*, 3(3): 63-73.
35. Koffman, J. (2012). Meanings of happiness among two ethnic groups living with advanced cancer in south London: a qualitative study, *Psycho-Oncology*, 22(5): 1-8.
36. Linley, A. (2006). Positive psychology: Past, present, and (possible) future, *The Journal of Positive Psychology*, 1(1): 3-16.
37. Lu, L. (2001). Understanding happiness: A look into the Chinese folk psychology, *Journal of Happiness Studies*, 11(2): 407-432.

38. OECD (Organization for Economic Co-operation and Development) (2011). Women's Economic Empowerment, DAC Network on Gender Equality (GENDERNET), at: <https://www.oecd.org/dac/gender-development/47561694.pdf>.
39. Oishi, S. and Kesebir, S. (2011). Income Inequality and Happiness, *Psychological Science*, 22(9): 1095-1100.
40. Özşen, T. (2015). Seeking the happiness agents in rural Japan through the case study in kyushu region, *Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Dergisi*, 55(2): 143-166.
41. Quezada, L. (2016). A validity and reliability study of the Subjective Happiness Scale in Mexico, *The Journal of Happiness & Well-Being*, 4(1): 90-100.
42. Royo, M. and Velazco, J. (2005). Exploring the relationship between happiness, objective and subjective well-being: Evidence from rural Thailand, *Paper presented at the capabilities and Happiness Conference 16-18 June*, University of Bath, Great Brita in.
43. Sengupta, N.(2012). How much happiness does money buy? Income and subjective well-being in New Zealand, *New Zealand Journal of Psychology*, 41(2):21-27.
44. Seligman, M. (2005). Positive Psychology Progress Empirical Validation of Interventions, *Tidsskrift for norsk psykologforening*, 42(5): 874-884.
45. Sonja, F. (2003). State of the art report on Life Quality assessment in the field of transport and Research Institute mobility, Swedish National Road and Transport, Link opening – Sweden.
46. Štreimikienė, G. (2009). Life satisfaction and happiness – the factors in work performance, *Economics & Sociology*, 2(1): 9-26.
47. VanZerr, M. (2011). Recommendations Memo Livability and Quality of Life Indicators, at: <https://www.oregon.gov/ODOT/TD/TP/docs/lcp/livability.pdf>.
48. Veenhoven, R. (2006). *The four qualities of life ordering concepts and measures of the good life*, Published in: Mark McGillivray & Mathew Clark (Eds.) 'Understanding Human, Well-being, United Nations University Press, Tokyo-New York-Paris, pp.74-100.
49. Veenhoven, R. (1989). Is happiness relative?, Recent advances in social psychology: an international perspective, at: <https://personal.eur.nl/veenhoven/Pub1980s/89f-full.pdf>.